

تطور تاریخی نگرشها در مسئله عوارض ذاتی از ملاصدرا تا محقق رشتی (۱۰۵۰ تا ۱۳۱۲ ه.ق)

موسی ملایری*

چکیده

نوشتار حاضر به یکی از مهمترین و پیچیدهترین مسائل علم‌شناسانه حکیمان مسلمان یعنی تعیین مصادیق و قلمرو عوارض ذاتی میپردازد. پرسش این نوشتار آن است که آیا عوارض بواسطه اخص عرض ذاتی بشمار می‌آیند یا نه؟ در این مطالعه تاریخی، تطور نظریه‌ها پیرامون حل و فصل این مسئله در طی سه قرن بررسی میشود و راه‌حلهای چهار تن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این دوره تاریخی، نخست گزارش شده و سپس مورد ارزیابی قرار میگیرد. در آغاز، راه حل ملاصدرا مبنی بر لزوم تمایز نهادن میان عارض اخص و عارض بواسطه اخص بررسی میشود، پس از او آقا حسین خوانساری دومین شخصیت این دوره است. وی پس از نقد نظریه ملاصدرا و اذعان به قصور آن در حل مشکل، خود، نظریه استحسان و مواضعه در قلمروشناسی و مرزبندی علوم را عرضه میکند. پس از این دو حکیم، ملامهدی نراقی، اگرچه بخشی از نظر ملاصدرا را میپذیرد، اما زوایای باقیمانده از مشکل را به شیوهی دیگر حل و فصل میکند. شیوه نراقی مستلزم غربالگری علوم و خارج کردن برخی مسائل از حیطه هریک از علوم محقق است. آخرین شخصیت این دوره، اصولی پرتوان، میرزا حبیب‌الله رشتی است که با تعمق و ژرفنگری به غنای این بحث و دقت زبان فنی آن افزوده است. او اگرچه از

۱۲۱

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ malayeri50@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲



سال هشتم، شماره اول

تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۱۲۱-۱۴۸

گفته‌های دیگران بهره برده، اما راه‌حل هیچیک از حکیمان پیشین را به‌تمامه نمیپذیرد. نظر محقق رشتی معتقد است که دانشمندان هر علم جایزند در دانش خود از مسائل علوم بالادستی و پایین‌دستی بحث کنند؛ البته مادامی که علمی برای بررسی آن مسائل در بالادست و پایین‌دست تدوین نشده باشد. این شیوه (چنانکه بیان خواهد شد) با نگاه پسینی - تاریخی به تدوین علوم، بسیار سازگار و منطبق است.

کلیدواژه‌ها: عوارض بواسطه اخص، علم‌شناسی حکیمان مسلمان، ملاملاصدرا، ملامهدی نراقی، آقاحسین خوانساری، میرزا حبیب‌الله رشتی

* * *

مقدمه

ملاصدرا از میان مباحث متنوع علم‌شناختی در حکمت اسلامی، بیش از هر مسئله دیگر به مشکل عوارض اخص پرداخته است. بیان اجمالی این مشکل چنین است که علم‌شناسان هنگام تحدید و تعیین قلمرو مباحث هر علم میگویند: در هر علم فقط باید پیرامون عوارض ذاتیه موضوع همان علم بحث و پژوهش صورت گیرد. پیرامون چیستی عوارض ذاتی، گفتگوهای فراوانی شده و تعاریف متعددی پدید آمده است. عمده بحثها بر سر تعیین قلمرو اعراض ذاتی، صورت گرفته و اینکه آیا عوارض بواسطه اعم و یا اخص را میتوان عرض ذاتی دانست؟ پاسخ به این سؤال خود محل بحث در نوشتار حاضر است، اما در اینجا برای شروع بحث بنای گفتگو را بر یکی از تعاریف عرض ذاتی میگذاریم که با محتوای این نوشتار سازگارتر است. بر اساس آن، عوارض ذاتیه را محمولات و اوصافی دانسته‌اند که بیواسطه، وصف حقیقی یک موضوع باشند. قید بیواسطه دو دسته عوارض را خارج میکند: یکی عوارض بواسطه اعم و دیگری عوارض بواسطه اخص. این تعریفی است که مقبول ملاصدرا و جمعی دیگر قرار گرفته است.^(۱) پیشینیان عوارض ذاتی را به دو دسته تقسیم میکردند: عرض ذاتی اولی که بیواسطه بود و عرض ذاتی غیراولی که واسطه (اعم یا اخص) داشت؛ اما چنانکه بتفصیل خواهیم گفت، در این دوره تاریخی، بلکه از قطب رازی به بعد این تقسیم پذیرفته نمیشود.

